

احترام به پدر و مادر

ویژه نوجوان ۱ (راهنمایی)

صالحین استان زنجان
www.SalehinZn.ir



احترام به پدر و مادر:

محبت و مهربانی با پدر و مادر، امری است که عقل و شرع به ضرورت آن اقرار می کنند. خداوند مهربان در قرآن مجید می فرماید: «وَ اخْفِضْ لَهُمَا جَنَاحَ الذُّلِّ مِنَ الرَّحْمَةِ» از روی محبت و مهربانی، بال فروتنی را برای پدر و مادر فروود آور.

بی تردید، اگر انسان به زحمت ها و رنج های بی شائبه والدین توجه کند، هرگز نیکی های آنان را از یاد نمی برد. امام زین العابدین علیه السلام می فرماید: حق مادرت آن است که بدانی، او به گونه ای تو را حمل کرد که هیچ کس کسی را چنین حمل نکرده است و چنان ثمره ای از قلبش را به تو داده است که هیچ کس به کسی نمی دهد. او با جوارحش تو را حفظ کرده و هراسی از آن نداشته است که با وجود گرسنگی، تو را سیر و با وجود تشنگی، تو را سیراب کند و تو را بپوشاند، در حالی که خود برهنه است، خویشتن را در آفتاب، سایبان تو سازد و از برای تو از خواب دست کشد و تو را از گرما و سرما حفظ کند تا برای او باقی بمانی و تو نمی توانی سپاسش را به جای آری، مگر به یاری و توفیق الهی.

اگر شخصی کوچک ترین نیکی و احسانی در حق انسان به جای آورد، عقل تشکر و قدردانی از او را لازم می داند، حال با توجه به این که پدر و مادر سمبل نیکی و احسان به فرزند هستند و از جان خود برای پرورش او مایه می گذارند، سزاوارترین انسان ها برای احترام و قدردانی اند.

خوش زبانی و خوش رفتاری با والدین

بهترین راه برای ابراز محبت به پدر و مادر، نرم گویی و خوش زبانی با آنهاست. پیشوایان معصوم علیهم السلام که بزرگ ترین مربیان بشری هستند، تندی به پدر و مادر را نهی کرده اند و حتی صدای ما نباید از صدای آنان بلندتر باشد چه رسد به این که خدای ناکرده با آنان به زشتی سخن بگوییم که سخن زشت و ناسزا گفتن به والدین، از گناهان کبیره است. امام صادق علیه السلام سفارش کرده است: «حتی هنگامی که پدر و مادر تان شما را می زنند، شما از درگاه خدا برای آن دو طلب غفران و بخشش کنید.» باز همان حضرت می فرماید: «اگر پدر و مادر صدایشان را بلند کردند شما صدایتان



را آهسته کنید و با آرامش با آنان سخن بگویید.» حتی نباید پدر و مادر را به نام کوچک صدا بزنند. نگرستن از روی مهربانی و عطف به صورت والدین، عبادت است. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «هیچ گاه چشمانت را از نظر کردن به والدین پر مکن، مگر با رحمت و مهربانی.» خداوند در قرآن کریم در توصیه ای نیکو به همه آدمیان می‌فرماید: «وَقُلْ لَّهُمَا قَوْلًا كَرِيمًا»^۲ با آنان با احترام سخن بگوی. پس اگر می‌خواهیم محبت خود را به آنان اظهار کنیم و سپاس گزار و قدردان آنان باشیم، این سخن امام را به خود تلقین کنیم که: «در همه حال سپاس گزار والدین باشید، حتی در مواقعی که گفتار و کردار والدین مطابق میلان نباشد.» مطیع بودن در قبال پدر و مادر نشان دهنده محبت به آنهاست.

خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید: «پروردگار تو حکم نمود که جز او را نپرستید و به پدر و مادر کاملاً نیکی کنید و اگر یکی از آنها و یا هر دو نزد تو به پیری رسیدند، کمترین اهانتی به آنها روا مدار و بر آنها فریاد مزین و گفتار لطیف و سنجیده به آنها بگو»^۳ پیامبر اکرم (ص) فرمود: «نظر الولد الی والدیه حباً لهما عبادۃ؛ نگاه همراه با محبت فرزند به پدر و مادر عبادت است»^۴

ثواب بوسیدن پای مادر:

پیامبر (ص) فرمود: «کسی که پای مادرش را ببوسد؛ مثل این است که آستانه کعبه را بوسیده است»^۵ و نیز فرمود: «هر کس پیشانی مادر خود را ببوسد، از آتش جهنم محفوظ خواهد ماند»^۶ در حدیث دیگری فرمود: «کسی که قبر والدین خود را در هر جمعه زیارت کند، گناهانش بخشیده می‌شود و از نیکوکاران نوشته شود.»^۷

- ۲- اسراء / ۲۴
- ۳- اسراء / ۲۳
- ۴- تحف العقول. ص ۴۶
- ۵- گنجینه جواهر
- ۶- نهج الفصاحه
- ۷- مستدرک الوسائل. ج ۲



گناهی نیست که مرتکب نشده باشیم!

پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله وسلم فرمود:

سه نفر از بنی اسرائیل با هم به مسافرت رفتند. در ضمن سیر و سفر در غاری به عبادت خدا پرداختند، ناگهان! سنگ بزرگی از قله کوه فرود آمد و بر در غار افتاد و دهانه غار به کلی بسته شد. و مرگ خود را حتمی دانستند. پس از گفتگو و چاره اندیشی زیاد به یکدیگر گفتند: به خدا سوگند! از این مرحله خطر راه رهایی نیست مگر اینکه از روی راستی و درستی با خدا سخن بگوییم. اکنون هر کدام از ما عملی را که فقط برای رضای خدا انجام داده ایم به خدا عرضه کنیم، تا خداوند ما را از گرفتاری نجات بخشد.

یکی از آنها گفت: خدایا! تو خود می دانی که من عاشق زنی شدم که دارای جمال و زیبایی بود و در راه جلب رضای او مال زیادی خرج کردم، تا اینکه به وصال او رسیدم و چون با او خلوت کردم و خود را برای عمل خلاف آماده نمودم، ناگاه در آن حال به یاد آتش جهنم افتادم. از برابر آن زن برخاسته بیرون رفتم. خدایا! اگر این کار من به خاطر ترس از تو بوده و مورد رضایت واقع شده، این سنگ را از جلوی غار بردار! در این وقت سنگ کمی کنار رفت به طوری که روشنایی را دیدند.

دومی گفت: خدایا! تو خود آگاهی که من عده ای را اجیر کردم که برایم کار کنند و قرار بود هنگامی که کار تمام شد. به هر یک از آنان مبلغ نیم درهم بدهم، چون کار خود را انجام دادند من مزد هر یک از آنها را دادم ولی یکی از ایشان از گرفتن نیم درهم خودداری کرده و اظهار داشت: اجرت من بیشتر از این مقدار است، زیرا من به اندازه دو نفر کار کرده ام، به خدا قسم کمتر از یک درهم قبول نمی کنم در نتیجه مزدش را نگرفته رفتم و من با آن نیم درهم بذر خریده کاشتم خداوند هم برکت داد و حاصل زیاد بر داشتم پس از مدتی همان اجیر پیش من آمده و مزد خود را مطالبه نمود. من به جای نیم درهم، هیجده هزار درهم (اصل سرمایه و سود آن) به او دادم خداوند! اگر این کار را من تنها به خاطر ترس از تو انجام داده ام این سنگ را از سر راه ما دور کن! در آن لحظه سنگ تکان خورد، کمی کنار رفت به طوری که در اثر روشنایی همدیگر را می دیدند، ولی نمی توانستند بیرون بیایند.

سومی گفت: خدایا! تو خود می دانی که من پدر و مادری داشتم که هر شب شیر برایشان می آوردم تا بخورند، یک شب دیر به خانه آمدم و دیدم به خواب رفته اند خواستم ظرف شیر را کنارشان -



گذاشته و بروم، ترسیدم جانوری در آن شیر بیفتد، خواستم بیدارشان کنم، ترسیدم ناراحت شوند، بدین جهت بالای سر آنها نشستم تا بیدار شدند و من شیر را به آنها دادم! بار خدایا! اگر من این کار را به خاطر جلب رضای تو انجام داده ام این سنگ را از ما دور کن! ناگهان! سنگ حرکت کرد و شکاف بزرگی به وجود آمد و توانستند از آن غار بیرون آمده و نجات پیدا کنند.^۸